



جورج فریدمن
استراتژیست

زمانی که من در مقطع فوق لیسانس تحصیل می‌کردم، با گروه کوچکی از همسالانم زمان زیادی را صرف بررسی شرایطی کردیم که تحت آن ممکن است یک قدرت هسته‌ای علیه دیگری دست به حمله هسته‌ای بزنند. از آنجایی که هیچ‌یک از ما مشغله دیگری نداشتیم، زمان زیادی را صرف این موضوع کردیم و از بحران موشکی کوبا به عنوان مبنای تحلیل خود استفاده کردیم. معیار چنین حمله‌ای این بود که سیستم فرماندهی طرف مقابل فروپاشیده و در نتیجه کشور هیچ راهی برای مقابله به‌مثلا ندارد و اینکه طرف مقابل در مورد زرادخانه هسته‌ای خود دروغ می‌گفته است. سناریوهای دیگری هم مدنظر بود که به‌خاطر نادرمان. مشکلی که ما مدام با آن مواجه بودیم - صرف‌نظر از اینکه زرادخانه‌ها با هم مطابقت داشته باشند، چه از نظر تعداد سلاح‌های نامتقارن و چه از نظر قابلیت نظامی نامتناسب - این بود که سلاح‌های هسته‌ای تقریباً هرگز مورد استفاده قرار نخواهند گرفت، مگر اینکه شرایطی وجود داشته باشد که در آن یک طرف اطلاعات فوق العاده و قابل اعتمادی در مورد مکان و وضعیت دشمن داشته باشد. مفاهیم عجیب و غریب دیگری نیز وجود داشت که براساس قدرت تخریب حتمی سلاح‌های هسته‌ای دسته‌بندی می‌شدند. اگر می‌توانستیم پتانسیل دشمن را برای مقابله به‌مثلا از بین ببریم، آن وقت استفاده از سلاح هسته‌ای یک گزینه قابل اعتماد بود. پیشنهاداتی در خصوص استفاده از نیروهای عملیات ویژه برای نفوذ به نقاط فرماندهی دشمن، استقرار گازهای سمی برای کشتن خدمه شلیک موشک و غیره وجود داشت. اما به‌طور اجتناب‌ناپذیری حمله هسته‌ای به یک قدرت هسته‌ای دیگر تقریباً به‌طور قطع منجر به تخریب متقابل تضمین شده یا حمله به متحد یک قدرت هسته‌ای، که خطر پاسخ هسته‌ای کمتر اما همچنان محتمل را به همراه خواهد داشت، می‌شود. بنابراین به راحتی می‌توان فهمید که چرا پس از هیروشیما و ناگازاکی، هرگز حمله اتمی دیگری رخ نداده است. با این حال، یک سناریو وجود داشت که احتمال موفقیت داشت که ما آن را بازی دیوانگی نامیدیم. تمام سناریوهای دیگر حول محور عقلانیت رهبری کشورها می‌چرخید. شروع یک پرتاب موفقیت‌آمیز باعث نابودی متقابل می‌شود و وقتی قرار است که کشور مهاجم نیز نابود شود، آن وقت ظهور ممکن است که کشوری با نابودی خودش بتواند امنیت خودش را تضمین کند. هیچ رهبر منطقی و عاقلی نمی‌تواند به نتیجه متفاوت از آنچه که گفتم برسد. اما واقعیت این است که این همان استراتژی‌ای است که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه با آن بازی می‌کند. او بارها گفته است که ادامه مقاومت اوکرین در برابر روسیه و حمایت آمریکا و اروپا از عملیات دفاعی اوکرین، خطر جنگ هسته‌ای را به‌دنبال دارد. حمله اتمی به اوکرین احتمالاً پاسخ ایالات متحده را به همراه خواهد داشت، در حالی که حمله به ایالات متحده قطعاً منجر به حمله گسترده به روسیه خواهد شد. واضح است که ایالات متحده قصد ندارد و نمی‌خواهد جنگ هسته‌ای را بر سر اوکرین آغاز کند. در شرایط عادی، روسیه نیز چنین نخواهد کرد. مگر اینکه فشار جنگ متقابل باشد. از آنجایی که روسیه دیوانه نیست، نتیجه این است که پوتین قصد ندارد جنگ هسته‌ای را آغاز کند. اما اگر مسکو بتواند مخالفان خود را متقاعد کند که این وضعیت آنها را مجبور به خودکشی متقابل کرده است، ایالات متحده و متحدانش ممکن است سیاست‌های خود را تغییر دهند تا با نیازهای روسیه سازگارتر باشند، حتی اگر این تهدید پوتین بعید به نظر برسد. وارد کردن پارامتر جنگ هسته‌ای - و به‌طور ضمنی، عقلانیت روسیه - در معادله ممکن است نتیجه جنگ را تغییر دهد. بعید است که ایالات متحده یک حمله پیشگیرانه را علیه قمار جنون‌آمیز یک ملت عاقل آغاز کند. از این گذشته، واشنگتن قابلیت حمله دوم را نیز دارد. برای انجام این کار، پوتین باید کشورهای دیگر را متقاعد کند که برای ورود به جنگ هسته‌ای آماده است. در این روند، او همچنین باید شهروندان خود را متقاعد کند که این خود باعث می‌شود استراتژی مدنظر او تضعیف شود. بازی دیوانگی او فقط در صورتی جواب می‌دهد که انقدر قانع کننده باشد که نزدیکان پوتین را نیز ترسانند. این هماره‌ای است که از ناامیدی ناشی می‌شود و فکر کردن به آن فقط در دوره تحصیلات تکمیلی برای تفکر مردان تنها، مفید است.



خیلی دور، خیلی نزدیک

دیپلمات‌های آمریکایی و سعودی به توافق خوش بین هستند اما دستیابی به توافق پایدار با مشارکت اسرائیل امری بعید به نظر می‌رسد



محمدحسین لطف‌الله
خبرنگار گروه بین‌الملل

خاورمیانه

پس از وقعه ۷ ماهه در مذاکرات میان آمریکا و عربستان سعودی برای امضای توافقی تاریخی که می‌تواند وضعیت سیاسی و نظامی منطقه خاورمیانه را برای مدتی طولانی دستخوش تغییر کند، آمریکایی‌ها تلاش دارند تا این توافق را به نتیجه برسانند اما این باریک‌مانع جدی در راستای دستیابی به توافق وجود دارد: جنگ غزه.

به‌رغم اینکه برقراری آتش‌بس در غزه و متوقف کردن ماشین جنگی دولت بنیامین نتانیاهو برای عدم آغاز عملیات نظامی در منطقه رفح کاری سخت و دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد و آمریکایی‌ها تا امروز در مسیر رسیدن به آتش‌بس ناکام بوده‌اند اما آن‌ها هم‌زمان تلاش دارند به هدفی بزرگتر برای خود یعنی یک توافق دفاعی بزرگ با عربستان سعودی که می‌تواند چهره خاورمیانه را برای سال‌ها تغییر دهد، دست پیدا کنند. موافقان این توافق در آمریکا معتقدند حصول چنین توافقی در منطقه شاید تنها راه برای وادار ساختن اسرائیل به متوقف کردن جنگ و ورود به پروسه مذاکرات صلح با فلسطینی‌ها باشد.

در عربستان افکار عمومی کاملاً مخالف توافق با اسرائیل است اما دولت بن سلمان به سرکوب مخالفان می‌پردازد. بلومبرگ گزارش داده است که در بحبوحه نگرانی ریاض از گسترش جنگ بین اسرائیل و حماس، عربستان سعودی به‌طور فزاینده‌ای با شهروندانی که احساسات ضد اسرائیلی خود را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند، برخورد می‌کند. بنابراین گزارش می‌دهد که در ماه‌های اخیر تعداد زیادی در این رابطه دستگیر شده‌اند

چالش‌های عربستان سعودی

عربستان سعودی از زمان تشکیل اسرائیل در سال ۱۹۴۸ از به رسمیت شناختن آن اجتناب کرده است. پادشاهی سعودی در دهه‌های گذشته از جنگ‌های کشورهای عربی با اسرائیل حمایت می‌کرد و خود را متعهد به حقوق فلسطینیان نشان می‌داد. با این وجود، در سال‌های اخیر این شرایط تغییر کرده است. عوامل مهمی برای این تغییر برشمرده می‌شود اما از جمله آن‌ها تغییر اولویت‌های عربستان سعودی در منطقه و تبدیل شدن مسئله ایران به یک دغدغه مهم برای سعودی‌ها است. از سوی دیگر، محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان که حاکم دوقلوی این کشور نیز شناخته می‌شود، تعلق خاطر بسیار کمتری نسبت به پیشینیانش در قبال مسئله فلسطین دارد. ریاض طی سال‌های گذشته، کمک‌ها به تشکیلات خودگردان فلسطین در کرانه باختری را نیز قطع کرد.

برای کشورهای منطقه آشکار است که در حال حاضر نیز به‌رغم نبود روابط دیپلماتیک علنی، روابط امنیتی و اطلاعاتی گسترده‌ای میان اسرائیل و عربستان سعودی وجود دارد. تغییر در نگاه به اسرائیل، تنها محدود به عربستان سعودی نمی‌شود. به‌رغم اینکه نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد افکار عمومی در جهان نگاهی بسیار منفی به اسرائیل دارند اما از سال ۲۰۲۰ تاکنون، چند کشور عربی از جمله امارات متحده عربی، بحرین، مراکش و سودان به عادی‌سازی روابط با اسرائیل پرداخته‌اند.

عادی‌سازی‌ها در قالب توافق آبراهام نشان می‌داد که کشورهای عربی در ازای دریافت امتیازاتی که از نگاه آمریکا امتیاز ویژه‌ای به حساب نمی‌آمدند، حاضرند تا روابط خود را با اسرائیل عادی کنند. آمریکا در ازای اینکه مراکش روابط خود را با اسرائیل عادی کند، مالکیت این کشور را بر منطقه صحرای غربی به رسمیت شناخت و تنها کار مهمی که واشنگتن برای عادی‌سازی روابط سودان و اسرائیل انجام داد، خارج کردن سودان از لیست کشورهای حامی تروریسم بود.

کاخ سفید در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ تلاش زیادی کرد تا عربستان نیز روابط خود را با اسرائیل عادی کند. از نگاه آن‌ها عربستان سعودی برادر بزرگتر بسیاری از کشورهای عربی منطقه به‌شمار می‌رفت و مشکلات اسرائیل پس از عادی‌سازی روابط با عربستان به‌طور محسوس می‌یافت. با این وجود، عربستانی‌ها حاضر نبودند با امتیازات اندک روابط خود را با اسرائیل عادی کنند؛ آن‌ها امتیازات بیشتری می‌خواستند.

حسین ابییش، تحلیلگر انستیتو کشورهای عربی خلیج فارس [در واشنگتن در مقاله‌ای نوشته است که عربستانی‌ها دو نگرانی عمده در این زمینه دارند: «سعودی‌ها نفوذ منطقه‌ای زیادی در دنیای اسلام دارند که دیگر کشورهای عربی آن را ندارند. همچنین آن‌ها جمعیتی بیش از ۳۰ میلیون نفر دارند و عادی‌سازی روابط با اسرائیل با توجه به مخالفت عمده مردم با این تصمیم، هزینه‌های زیادی برای آن‌ها خواهد داشت. عربستانی‌ها نگران نفوذ منطقه‌ای خود در کشورهای عربی و همچنین سیاست داخلی خود هستند.»

در عربستان افکار عمومی کاملاً مخالف توافق با اسرائیل است اما دولت بن سلمان به سرکوب مخالفان می‌پردازد. بلومبرگ گزارش داده است که در بحبوحه نگرانی ریاض از گسترش جنگ بین اسرائیل و حماس، عربستان سعودی به‌طور فزاینده‌ای با

شهروندانی که احساسات ضد اسرائیلی خود را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند، برخورد می‌کند. بنابراین گزارش می‌دهد که در ماه‌های اخیر تعداد زیادی در این رابطه دستگیر شده‌اند. بلومبرگ به نقل از منابع آگاهی که نام آنها فاش نشده گفته است که در میان بازداشت‌شدگان یکی از مدیران شرکتی بوده که در طرح محمد بن سلمان برای تقویت اقتصاد نقش داشته است. یک بازداشتی دیگر از شهروندان سعودی خواسته بود تا برندهای آمریکایی فعال در عربستان سعودی را تحریم کند.

آمریکا چه هزینه‌ای حاضر است پرداخت کند؟ توافق آبراهام یکی از معدود ابتکارات دولت ترامپ در عرصه سیاست خارجی بود که دولت بایدن تلاش کرد آن را دنبال کند. بایدن و بسیاری از دموکرات‌ها به دلیل قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار منتقد واشنگتن پست به دستور محمد بن سلمان ناراضی بودند و بایدن وعده داده بود که ولیعهد سعودی را به فردی مطرود تبدیل خواهد کرد. با این حال برخی چالش‌ها باعث شد که او از موضع عقب‌نشینی کند؛ نگرانی‌ها از افزایش قیمت انرژی در پی حمله روسیه به اوکراین و تحریم‌ها علیه روسیه، افزایش نفوذ و تأثیرگذاری چین در منطقه خاورمیانه و نگرانی‌ها از امنیت منطقه از جمله عواملی بودند که باعث شد آمریکا نگرانی‌های حقوق بشری در برابر عربستان را نادیده بگیرد.

بر اساس گزارش پایگاه اینترنتی وکس، ایالات متحده در دوره بایدن به‌دنبال یک توافق سه‌جانبه امنیتی با عربستان رفت که اسرائیل را هم شامل می‌شد. براساس جزئیاتی که از این توافق فاش شده، آمریکا ضمانت‌هایی امنیتی مشابه آنچه به برخی از کشورهای متحد غیرناتو نظیر ژاپن و کره جنوبی اعطا شده به عربستان پیشنهاد می‌دهد.

توافق آمریکا با عربستان شامل کمک واشنگتن به ریاض برای ساخت یک برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز است. بسیاری از منتقدان این طرح در آمریکا معتقدند برنامه هسته‌ای عربستان می‌تواند به سرعت به یک برنامه نظامی بدل شود. این توافق همچنین شامل تعهد آمریکا به سرمایه‌گذاری در حوزه تکنولوژی در عربستان و تعهد ریاض به فروش نفت با دلار آمریکا به جای یوان چین خواهد بود.

به‌عنوان یک معاهده رسمی، این توافق در صورت حصول باید موافقت دست کم دو سوم اعضای سنای آمریکا را جلب کند. با توجه به آرایش سیاسی سنا و برتری حداقلی دموکرات‌ها در این مجلس به دست آوردن چنین اکثریتی برای توافق با عربستان کار سختی به نظر می‌رسد اما سعودی‌ها اصرار ویژه‌ای بر این مسئله دارند و معتقدند توافق امنیتی در چنین سطحی نباید تحت تأثیر موضوعات سیاست داخلی آمریکا و رفت و آمد رؤسای جمهور به کاخ سفید قرار بگیرد.

برخی تحلیلگران عرب معتقدند آنچه در ماجرای توافق آمریکا با ایران بر سر پرونده هسته‌ای رخ داد تأثیر زیادی بر تغییر نگاه سعودی‌ها و اصرار آن‌ها به تصویب توافق در سنا داشت. تاریخ هم ثابت می‌کند که خواسته سعودی‌ها از آمریکا خواسته بزرگی است. آمریکا از سال ۱۹۶۰ به این سو که معاهده‌ای امنیتی با ژاپن را در سنا تصویب کرد، هیچگاه چنین کاری را تکرار نکرد و تکرار این تعهد برای عربستان که در سال‌های اخیر یک جنگ را با کشور همسایه (یمن) آغاز کرده و بحران‌های دیپلماتیک زیادی را از سر گذرانده، کار آسانی به نظر نمی‌رسد.

مانع اصلی

به‌باور بسیاری از تحلیلگران، تنها راهی که دولت بایدن می‌تواند توافق امنیتی با عربستان سعودی را به‌قرار دادی قابل تأیید در سنا تبدیل کند و حمایت هم حزبی‌ها و حزب مخالف را برای رأی دادن کریس مورفی، سناتور دموکرات در باره این مسئله می‌گوید: «به باور من با شرایط موجود تصویب شدن توافق امنیتی با عربستان در سنا کار بسیار سختی به نظر می‌رسد. اشتیاق زیادی برای درگیر شدن بیشتر در موضوعات امنیتی خاورمیانه در واشنگتن وجود ندارد و هر توافقی در این زمینه باید شامل نقشه‌راهی روشن

